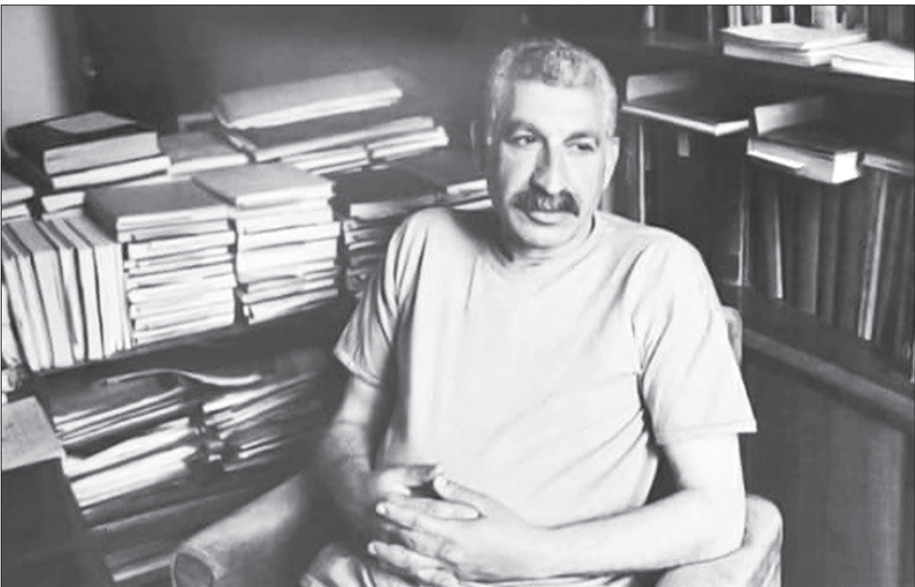
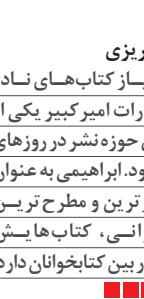


نویسنده‌ای که از قلمش لطافت و عشق می‌بارید



طبق گفته‌های مجدالدین معلمی، سرپرست انتشارات امیرکبیر از زیبایی‌ها نشان می‌دهد گردش مالی آثار نادر ابراهیمی در سال در بازار کتاب حدود ۲۰میلیارد تومان است که در شرایط فعلی بازار نشر رقمی خوب و قابل‌اعتنا به نظر می‌رسد. ابراهیمی به خاطر سبک منحصر به‌فردش در نویسندگی و روایت‌های خالص و بی‌پیرایه‌اش از زندگی و عشق خیلی‌ها را شایسته‌ کتاب‌هایش کرده است

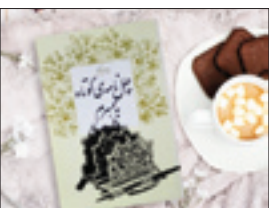


است و دیگر گون شدن.»

دلیل محبوبیت: «یک عاشقانه آرام» داستان زندگی زن و شوهری جوان است که سعی دارند زندگی عاشقانه‌شان را از خطر روزمرگی نجات دهند. خوانندگان کتاب اعتقاد دارند نویسنده در برگ برگ این داستان، احساساتی عمیق و زیبا به وسیله جملات و تعابیری شایسته یک اثر ادبی، به تصویر کشیده که تا عمق روح و جان خواننده نفوذ می‌کند.

همچنین در کتاب، توصیه‌های بسیار کاربردی درباره مراقبت و زندگی‌نگهداشتن عشق شده‌است که توجه به آن هر کسی را به وجد می‌آورد. ابراهیمی برخلاف برخی از نویسندگان که نگاهی کلیشه‌ای و سطحی به مفهومی چون عشق و زندگی مشترک دارند، سعی می‌کند به شکلی جزیی‌نگرانه و عمیق به مسئله نگاه کند. حرف‌های او دور از دسترس نیست و چون از درون ذهن خلاق نویسنده‌ای به نام ابراهیمی بیرون آمده باعث حساس شدن خواننده روی بسیاری از مسائل می‌شود. «یک عاشقانه آرام» همانطور که از نامش پیداست، رماني دوست‌داشتنی است که عشق را از زوایای مختلف مورد کنگاش قرار می‌دهد.

چهل‌نامه کوتاه به همسرم نخستین سال انتشار: ۱۳۶۸
برشی از کتاب: «عزیز من! خوشبختی نامه‌ای نیست که یک روز نامه‌رسانی زنگ در خانه‌ات را بزند و آن را به دست‌های منتظر تو بپسپارد. خوشبختی، ساختن عروسک کوچکی است از یک تکه خمیر نرم شکل‌پذیر... به همین سادگی، به خدا به همین سادگی، اما یادت باشد که جنس آن خمیر باید از عشق و ایمان باشد نه هیچ چیز دیگر... خوشبختی را در چنان حاله‌ای از رمز و راز، لوازم و شرایط، اصول و قوانین پیچیده ادراک‌ناپذیر فرو نبریم که خودنیز درمانده از شناختنش شویم... خوشبختی،



همین عطر محو و مختصر تفاهم است که در سرای تو پیچیده است...»

دلیل محبوبیت: همسر نادر ابراهیمی در گفت‌وگویی توضیح داده که شوهرش برای تمرین خط نامه‌هایی را با خطی خوش می‌نوشت و او آنها را به دیوار می‌زد. جذابیت نامه‌ها باعث شده بود تا میهمانان خانه این زوج به خواندن این نامه‌ها مشغول شوند و به میزبان‌شان بگویند ما هم می‌خواهیم همین را به همسرانمان بگوییم اما بلد نیستیم!

همین موضوع باعث می‌شود تا ابراهیمی تعداد نامه‌ها را به عدد ۴۰ برساند و تحت عنوان «چهل‌نامه کوتاه به همسرم» به چاپ برساند. این نامه‌ها درباره زندگی کار، مقابله با رانندگی و... زده‌است. انقدر خوب و مؤثر است که می‌توان هر کدام را جدا و به صورت یک مجموعه مستقل در ارتباط با آن موضوع خاص منتشر کرد.

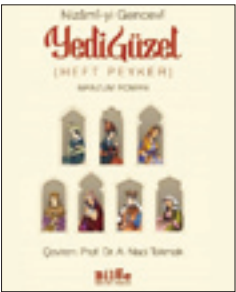
مولانا در بحرانی‌ترین ادوار تاریخ شادی و امید آفرید

که به ملکوت خدا یازگردد: «خلق‌چو مرغ‌بایان، زاده در دریای جان/ کنی کد اینجا مقام، مرغ‌کن از بحر خاست؟» آموزه‌های مولانا بر بنیاد عشق استوار شده است، زیرا اگر زندگی انسان بر بنیاد عشق سامان بگیرد، مفرات وضعی بشری و جهی پیدا می‌کند، چون عشق بر جمیع تعارضات درونی و بیرونی شخص چیره می‌آید و فاصله‌ها را از میان بر می‌دارد. «آفرین بر عشق کل اوستاد/ صدهزاران دره را داد اتحاد.» آموزه‌های مولانا فهرست‌وار بدین قرار است: «تکیه بر همدلی جهت پیوند جامعه بشری، نسبت بر برداشت از حقیقت تکیه بر نقاط مشترک ادیان، تکیه بر سبقت رحمت حق القای شادی و امید در زندگی، ر جحان عالم معنا بر عالم ظاهر.»

ترکیه میزبانی فعال برای آثار فرهنگی و هنری ایران

از سوی انتشارات «بیلگی» ترکیه منتشر شده است. این مترجم و پژوهشگر ترک در مقدمه ترجمه‌اش بر «هفت پیکر نظامی گنجوی»، نوشته است: نظامی گنجوی نه تنها در ادبیات فارسی بلکه در سراسر جهان اسلام از جمله در امپراتوری عثمانی تأثیرگذار بوده است. بسیاری از شاعران ترک زبان تحت تأثیر سبک و آثار او بودند. اشعار حماسی و عاشقانه نظامی و مخصوص منظومه‌های پنج‌گانه (پنج‌گنج) همچون «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» الهام‌بخش بسیاری از شاعران ترک بوده است. بسیاری از شاعران کلاسیک عثمانی، مانند فضولی و یحیی بیگ، به‌طور مستقیم از نظامی تأثیر گرفته‌اند. فضولی، مظلومه‌ای با نام لیلی و مجنون نوشت که الهام‌گرفته از اثر نظامی است و در ادبیات ترک آستابولی نیز جایگاه والایی دارد.

محصولات فرهنگی ایرانی بازار خوبی در کشور ترکیه پیدا کرده‌اند. این خبر خوبی برای سازندگان و تهیه‌کنندگان محصولات فرهنگی مثل فیلم، انیمیشن و کتاب به شمار می‌رود تا با آمیوداری و جدیت بیشتری به دنبال پیدا کردن بازارهای بیشتری در این کشور ۸۵میلیونی باشند. اولین خبر اینکه انیمیشن سینمایی «جبعی قهرمان» به کارگردانی حسین صفارزادگان و میثم حسینی پس از اکران در سینماهای کشورهای آذربایجان و قرقیزستان راهی ترکیه شده است. این انیمیشن قرار است در ۲۵شهر ترکیه از جمله شهرهای استانبول، آنکارا، ازمیر و بورسا به نمایش در آید و مخاطبان این کشور را به خود جذب کند. خبر دیگر آنکه کتاب «هفت پیکر نظامی» با ترجمه منظوم ناجی توکمک، استاد زبان و ادبیات فارسی در ۲۸۴ صفحه و شمارگان هزار



نویسنده‌ای که از قلمش لطافت و عشق می‌بارید

همسرش را بیان می‌کند.

این نامه‌ها نثری همچون شعر دارد و به شکلی بسیار روان و به دور از تکلف خواننده را به خودش جذب می‌کند. ابراهیمی در این نامه‌ها به صادقانه‌ترین شکل ممکن عشقش را به همسرش ابراز می‌کند، آنچه از راه و رسم زندگی می‌داند را با او در میان می‌گذارد.

بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم

نخستین سال انتشار: ۱۳۴۵

برشی از کتاب: «به یاد داشته باش که روزها و لحظه‌ها هیچ گاه باز نمی‌گردند. به زمان بیندیش و شش‌پون ظالمانه زمان. صبح که ماهیگیران با قایق‌های‌شان به دریا می‌رفتند به من سلام کردند و گفتند که سلام‌شان را به تو که هنوز خفته‌ای برسانم. بیدار شو هلبا. بیدار شو و سلام ساده ماهیگیران را بی‌جواب مگذار. من لیریز از گفتمن نه از نوشتن. باید که اینجا رو بروی من بشننی و گوش کنی.»

دلیل محبوبیت: کتاب سه بخش مجزا به عناوین باران رؤیای پاییز، پنج‌نامه از چخماله به ستاره‌آباد، پایان باران رؤیا دارد و نویسنده در هر بخش با استفاده از جریان سیال ذهن برای روایت متفاوت داستان و ملموس کردن شخصیت و اتفاقات استفاده کرده است.

این جریان سییال و حرکت به گذشته و آینده خواننده را گامبه‌گام وارد بطن داستان می‌کند. شاید اگر نویسنده به شیوه خطی و معمول داستان‌ش را روایت می‌کرد، نتیجه نهایی‌تا این اندازه خواندنی و شورانگیز نمی‌شد. تمهید نویسنده در این امر نشان از هوشمندی و استفاده درست از تکنیک‌های ادبی دارد. کاری که در نهایت خوشش کتاب را به تجربه‌ای دلچسب تبدیل می‌کند.

ابوالمشاغل

نخستین سال انتشار: ۱۳۶۵

برشی از کتاب: «می‌گویند زمین خوردن‌های مکرر، آدمیزاد را پوست کلفت می‌کند. بله... بعضی از زمین‌خوردن‌ها واقعا آدم را پوست کلفت می‌کند، اما فقط بعضی از زمین‌خوردن‌ها نه همه آنها و نه در هر شرایطی و روی هر زمینی. زمین خوردن‌هایی هم است که پوست زانوئی آدمیزاد را بدجوری می‌برد و پوست از تنج‌ها را و تن را مجروح می‌کند و روح را... شاید به‌طور دالم...»

دلیل محبوبیت: این کتاب به بخشی از خاطرات ابراهیمی می‌پردازد که او به عنوان نویسنده و کارگردان وارد فعالیت‌های مختلف تلویزیونی شده است. «ابوالمشاغل» از جمله زندگینامه‌های منحصر به‌فرد است که شیوه نگارش آن با بسیاری از آثار که در این زمینه تألیف شده‌اند، متفاوت است. تمرکز نویسنده بر تشریح جز به جز برخی از حوادث در کنار قلم فوق‌العاده گیرای او در ترسیم دقیق اتفاقات پیش در مسیر فعالیت‌هایش باعث شده تا این اثر منسیر سروگردن از دیگر زندگینامه‌هایی که تا به حال نوشته شده است، بالاتر باشد.

گریزهایی که ابراهیمی در پارهای از موارد به مسائلی همچون دوستی، صداقت در کار، مقابله با رانندگی و... زده‌است. انقدر خوب و مؤثر است که می‌توان هر کدام را جدا و به صورت یک مجموعه مستقل در ارتباط با آن موضوع خاص منتشر کرد.

نگاهی به مسیر پرفراز و نشیب مهران غفوریان در دنیای هنر

کمدین دیروز، بازیگر جدی امروز

■ احمد جوان

در دهه ۷۰ برنامه «ساعت‌خوش» گروهی از بازیگران طنز و کمدین را وارد دنیای هنر کرد. در سال‌های بعد تصور اینکه کسی عضوان برنامه نباشد و بخواهد به کمدین سرشناسی تبدیل شود، برای عموم مردم دور از دسترس بود، اما در میان آن همه بازیگر کمدی مجموعه «ساعت‌خوش»، بازیگرانی بودند که به پشتوانه استعداد و هنرشان خودشان را در جامعه مطرح کردند و به یکی از ستاره‌های کمدی سینما و تلویزیون ایران تبدیل شدند.



■ کشف یک استعداد

مهران غفوریان یکی از همین بازیگران بود. او برای ورود به دنیای بازیگری مسیر متفاوتی را انتخاب کرد. غفوریان چون تئاتر و بازیگری نخوانده بود، مسیر بازیگری برایش کمی پیچیده‌تر به نظر می‌رسید، اما او با تکیه بر استعداد و طنزآش‌توانست راهی به دنیای بازیگری باز کند و در مدت خیلی کوتاهی به چهره‌ای سرشناس در جامعه تبدیل شود. اوایل دهه ۷۰، غفوریان جوان کارش را با مجموعه‌های طنز «بلخندسوم» و «جنگ ۲۹» شروع کرد و از همان زمان روزهای پرکاری و فعالیت‌های بی‌وقفه‌اش از راه رسید. او در طول سال در چند مجموعه تلویزیونی بازی می‌کرد و روزهای شلوغی را می‌گذراند. او گاهی برای ضبط یک برنامه صبح‌ها به جنوب شهر و محله پامنار می‌رفت و شب‌ها باید به شمال شهر و محله نیاوران می‌آمد. خودش می‌گوید آن زمان جوان و پرنرزی بودم و کارکردن بی‌وقفه خسته‌نام می‌کرد. غفوریان با حضور در «جنگ ۷۷» مهران مدیری خودش را به تیم بازیگران «ساعت‌خوش» وصل کرد تا تجربه همکاری با نفراتی مثل مدیری و عطاران را تجربه کند. برای جوان فعال آن روزها بازیگری نه‌باید آمل و آرزوهایش نبود. اعتقاد داشت وقتی بازیگری می‌کنم انگار حق مطلب به نوعی ادا نشده است. پس خیلی زود تصمیم گرفت خودش پشت دوربین برود و در کنار بازیگری کارگردانی را هم تجربه کند. او در ۲۴، ۲۵ سالگی «گل‌های ۷۷» را کارگردانی کرد تا در اوج جوانی تجربه‌ای ارزشمند به دست بیاورد. او برای سال‌های بعدش نیز همچنان کارگردانی چند مجموعه تلویزیونی دیگر را بر عهده گرفت که از میان آنها سریال «این چند نفر» به سریال پرفرطراف تبدیل شد.



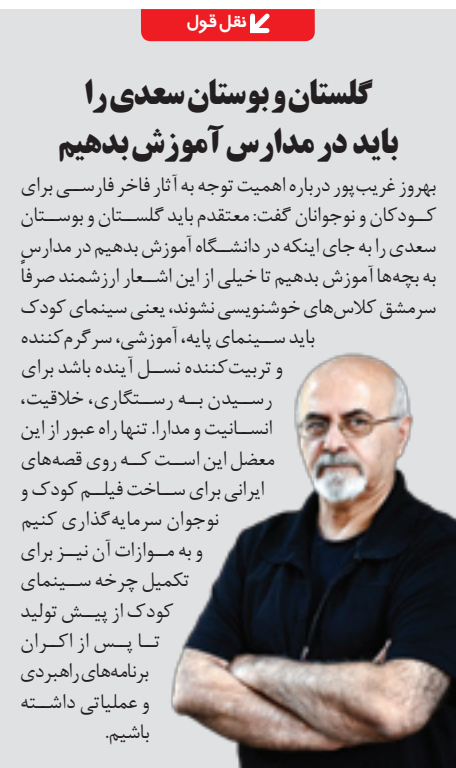
■ تجربه در خشان زیر آسمان شهر

غفوریان که در این سال‌ها خستگی‌ناپذیر کار می‌کرد، محصل تجربیاتش را به سریال «زیر آسمان شهر» آورد. او حالا انقدر باتجربه شده که تیمی خوب و حرفه‌ای در کنارش داشته باشد و انقدر خلاقیت دارد که بتواند مسیری نو و تازه در سریال‌سازی رقم بزند. «زیر آسمان شهر» یک اتفاق مهم برای تلویزیون بود. تا پیش از آن مجموعه‌های طنز به صورت آئینی پیش می‌شد و سریال‌ها از داستان‌هایی واحد با شخصیت‌هایی ثابت بر‌خوردار نبودند. «زیر آسمان شهر» آن زمان برنامه‌های طنز را از حالت آئینی خارج کرد و درچه‌های تازه به روی همه نشان داد. این سریال از بازیگرانی ثابت بهره می‌برد که در هر قسمت با ماجراهای مختلفی روبه‌رو می‌شدند دقیقاًمشابه سریال‌های سینکام خارجی که چنین فضایی داشتند و در جذب مخاطب موفق عمل می‌کردند. پس از «زیر آسمان شهر» بود که بقیه کارگردان به ساخت سریال‌های با این سبک و سیاق روی آوردند و به نوعی ساختن سریال‌های سینکام در تلویزیون رونق زیادی گرفت. سریال محبوب مهران غفوریان در آن سال‌ها با ۹۲درصد بیننده، کوچه و خیابان‌ها را خلوت می‌کرد و همه را پای تلویزیون می‌نشاند. «زیر آسمان شهر» به نوسازی و بخشی از خاطره جمعی بخشی از مردم ایران تبدیل شده است. این سریال برای سه‌فصل دیگر ادامه پیدا کرد و در مجموع چیزی حدود ۳۰۰قسمت سریال ساخته شد. رقمی که در صنعت سریال‌سازی رقم کوچکی نیست و نشانی از پشتکار و کار بی‌وقفه عوامل سریال دارد. غفوریان با «زیر آسمان شهر» برای سال‌های متعادی در اوج محبوبیت و شهرت بودن را تجربه کرد. او به‌فقطی برای خودش تبدیل شده بود. غفوریان توانسته بود با سرایش، تکیه کلام‌ها و عبارت‌های تازه‌ای را به درون خانواده‌ها ببرد. از آنجا که هر فرازی با خودش فردوی به همراه دارد، پس از عدم موفقیت سری سوم «زیر آسمان شهر» در جذب مخاطب، روزهای کم‌فروغی مهران غفوریان نیز از راه رسید. او بلافاصله مشغول ساخت سریال «ورود ممنوع ممنوع» شد. سریالی که به خاطر اختلاف با تلویزیون نیمه کاره ماند و زبان مالی زیادی برای غفوریان به دنبال داشت.



■ روزهای سخت افسردگی و بیماری

غفوریان سال‌های زیادی پشت دوربین قرار نگرفت و روزهای بد افسردگی‌هم از راه رسید. ناگهان تمام لحظات خوش گذشته جایش را به تلی از اندوه و غصه داد. او به خوردن داروهای ضدافسردگی رو آورد هرچند آن را ادامه نداد. وی در خاطره‌ای از آن روزها می‌گوید: «یک موقعی بود که احساس می‌کردم آرامش ندارم. دکتر رفتم و یک‌سری قرص گرفتم، ولی چون هیچ وقت خوردن قرص اعصاب را دوست نداشتم، کنارش گذاشتم.» غفوریان در طول سال‌های دور از کارگردانی در فیلم و سریال‌های خوب و بد زیادی بازی کرد. او سال ۱۴۰۰ و سر صحنه فیلمبرداری سریال «حیسان آبی» دچار سکتة قلبی شد و روز بعد تحت عمل جراحی قلب باز قرار گرفت. پس از کم کردن وزن و تغییر فیزیک، در سبک بازیگری‌اش نیز تغییراتی ایجاد کرد. غفوریان دیگر آن بازیگر شوخ و شنگ و طنز قدیم نبود. حالا کارگردانان بیشتر نقش‌های جدی برای او می‌نویسند که خوب هم از پشمان برمی‌آید. سریال‌های «قورباغه» و «خاتون» بخشی از تجربه‌های جدید غفوریان در بازیگری بودند. او با شامیلی تازه در نقش‌های جدی هم در خشید تا در فیلم و سریال‌های بعدی‌اش نیز همین راه را ادامه دهد. غفوریان این روزها در سینما و تلویزیون و نمایش‌خانگی فعال است و قصد دارد دوباره به عنوان کارگردان پشت دوربین قرار بگیرد. اگرچه او در این سال‌ها از آن تیپ و فیزیک بازه که یادآور شخصیت «پهروز گرلی بند» بود فاصله گرفته، ولی توانسته خودش را در موقعیت جدیدش اثبات کند. شاید تجربه افسردگی و بیماری قلبی و تغییر فیزیک روی سبک بازی غفوریان اثر گذاشته باشد، اما او یک هنرمند و ار تیست واقعی است. کسی که استعدادی ذاتی در هنر دارد و هنر از درونش می‌جوشد.



گلستان و بوستان سعدی را

باید در مدارس آموزش بدهیم

بهروز غریب‌پور درباره اهمیت توجه به آثار فاخر فارسی برای کودکان و نوجوانان گفت: معتمد باید گلستان و بوستان سعدی را به جای اینکه در دانشگاه آموزش بدهیم در مدارس به بچه‌ها آموزش بدهیم تا خیلی از این اشعار ارزشمند صرفاً سرمشق کلاس‌های خوشنویسی نشوند، یعنی سینمای کودک باید سینمای پایه، آموزشی، سرگرم‌کننده و تربیت‌کننده نسل آینده باشد برای رسیدن به رستگاری، خلاقیت، انسانیت و مدارا. تنها راه عبور از این معضل این است که روی قصه‌های ایرانی برای ساخت فیلم کودک و نوجوان سرمایه‌گذاری کنیم و به موازات آن نیز برای تکمیل چرخه سینمای کودک از پیش تولید تا پس از اکران برنامه‌های راهبردی و عملیاتی داشته باشیم.

خسرو و شکیبایی را اولین بار

برای ضبط نریشن به استودیو دوبله بردم

حسن زاهدی از صادباران پیشکسوت سینمای ایران، خاطراتی از دوران حرفه‌ای‌اش را چنین بیان کرد: من در سینما با افراد بسیاری کار کرده‌ام. زنده‌یاد خسرو شکیبایی همواره به من لطف داشت و معتقد بود من اولین فردی بودم که او را برای ضبط نریشن به استودیو دوبله بردم و به همین دلیل در هر ملاقات، ابراز محبت بسیاری نسبت به من داشت. صداربداری مشقت‌های زیادی را به همراه دارد. برای مثال به یاد دارم در فیلمی دو دختر بچه زمانی که خورشید به صورت عمود بر زمین می‌تابید، باید مسیری را طی می‌کردند و من برای آنکه اثری از سایه‌بود صداربداری روی زمین باقی نماند، طول بوم را در حالت حداکثر قرار دادم تا سایه پشت یک دیوار آگاهی شکل بگیرد و همچنین مجبور بودم به صورت برگس و به پشت‌سر حرکت کنم، متأسفانه به دلیل نداشتن دید کافی از ارتفاع ۲/۵ متر سقوط کردم و تنها مراقب بودم تا بوم صدا آسیمی بینند.



طبق گفته‌های مجدالدین معلمی، سرپرست انتشارات امیرکبیر ارزیابی‌ناادر ابراهیمی به انتشارات امیرکبیر یکی از مهم‌ترین خیرهای حوزه نشر در روزهای اخیر به شمار می‌رود. ابراهیمی به عنوان یکی از مشهورترین و مطرح‌ترین نویسندگان ایرانی، کتاب‌هایش طرقداران زیادی در بین کتابخوانان دارد.

طبق گفته‌های مجدالدین معلمی، سرپرست انتشارات امیرکبیر ارزیابی‌ناادر ابراهیمی در سال در بازار کتاب حدود ۲۰میلیارد تومان است که در شرایط فعلی بازار نشر رقمی خوب و قابل‌اعتنا به نظر می‌رسد. ابراهیمی به خاطر سبک شیوا و منحصر به‌فردش در نویسندگی و روایت‌های خالص و بی‌پیرایه‌اش از زندگی و عشق خیلی‌ها را شایسته کتاب‌هایش کرده است.

قلم در دستان این نویسنده چیره‌دست مثل پنجه می‌ماند. او به قدری لطیف، خودمانی و شیرین می‌نویسد که ناگزیر هر خواننده‌ای را جذب خود می‌کند. ابراهیمی ذاتا نویسنده‌ای خلاق و توانا بود که توانست هنر و استعدادش را در کتاب‌هایش نشان دهد. برای چرایی دلایل محبوبیت کتاب‌های ابراهیمی نگاهی به معروف‌ترین آثار او در بازار نشر انداخته‌ایم تا بهتر با شکل نوشتاری و اندیشه‌ای نویسنده صاحب‌نام آشنا شویم.

یک عاشقانه آرام
نخستین سال انتشار: ۱۳۷۴
برشی از کتاب: «مگذار که عشق، به عادت دوست‌داشتن تبدیل شود! مگذار که حتی آب دادن گل‌های باغچه به عادت آب دادن گل‌های باغچه بدل شود! عشق، عادت به دوست‌داشتن و سخت دوست‌داشتن دیگری نیست، پیوسته نو کردن خواستنی است که خود پیوسته، خواهان نو شدن



قصه‌ها در رشد زبانی و شخصیتی کودکان تأثیر گذار هستند

حمیدرضا شاه‌آبادی تأثیر قصه بر کودکان را اینگونه توضیح داد: قصه در کنار اینکه برای کودکان سرگرم‌کننده است، می‌تواند اثر روانی نیز در روحیه او داشته باشد. قصه‌ها به شیوه‌های مختلف در رشد زبانی، عاطفی، شخصیتی و تربیت کودکان تأثیرگذار هستند. قصه‌گویی باعث می‌شود تا شنونده در ذهن خود شخصیت‌های قصه، طرح کلی و مکان‌های داستان را تجسم کند و قدرت تصویرسازی و خلاقیت او ارتقا پیدا کرده و در تجسم و فکر کردن به اتفاق‌ها دچار محدودیت نشود.
ساختار ذهنی ما با قصه ارتباط برقرار می‌کند. قصه از اول کودکی با ماست. کودکان قصه را دوست دارند و خودشان با قصه داستان می‌سازند.



اولین اثر مکتوب بعد از انقلاب را گلایدرهای نوشت

علی خلیلی از دوستان و وصی قانونی زنده‌یاد محمود گلایدرهای با بیان خاطره‌ای گفت: وقتی انقلاب شد، محمود یک نویسنده معروف بود. در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کار می‌کرد. آنجا مسئولیتش تأیید کتاب‌های داستانی بود که باید کانون چاپ می‌کرد. مقام بالایی داشت. انقلاب که می‌شود، محمود کانون را رها می‌کند، راه می‌افتد در خیابان‌ها به تظاهرات. کانون هم بعد از مدتی که می‌بیند محمود غیبت کرده، به قول خودش یک دادگاه تشکیل می‌دهد و محمود را اخراج می‌کنند، اما همان زمانی که انقلاب داشت ظهور می‌کرد، کتاب لحظه‌های انقلاب را می‌نویسد. در سال ۱۳۵۸ این کتاب از سوی شهید مفتح به انتشارات سروش معرفی می‌شود. آقای پرویز خرسند آن موقع مدیر مسئول و سردبیر انتشارات سروش بود. این کتاب را همان سال ۵۸ چاپ می‌کند، بنابراین اولین اثر مکتوب درباره انقلاب با فاصله چند ماه بعد از پیروزی انقلاب چاپ می‌شود.